

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره اول، پیاپی ۲۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ (ص ۱۸۳-۲۰۱)

رابطه بین سبک های دلبستگی و پایبندی دینی در دانشجویان دختر: نقش میانجی ابعاد کارکرد خانواده

Investigating the Relationship Between Attachment Styles and Religious Commitment in Female Students: The Mediating Role of the Dimensions of Family Functioning

مریم صیاد شیرازی / گروه روان شناسی و علوم تربیتی، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

امیرحسین بهاد یوند چگینی / سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مرکز آموزش و پژوهش منطقه ۱۰ کشوری، گیلان، ایران.

Maryam Sayyad Shirazi / Assistant Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, Women's Research Institute, Al Zahra University, Tehran, Iran. ma.sayad@alzahra.ac.ir

Amir-Hossein Bahadivand Chegini / MA in Psychology, Security and Corrective Measures Organization Zndan Ha, Center for Research and Training in district 10, Gilan, Iran amiralibahadivand@gmail.com

Abstract

This study investigates the mediating role of the dimensions of family functioning in the relationship between attachment styles and religious commitment among university students.

Method: This research is descriptive and of correlational mode. The study population includes all students at Al-Zahra University enrolled in the academic year 2022-2023, from which 318 students were selected using simple random sampling and Cochran's formula. Data were collected using questionnaires on religious commitment, attachment styles, and the dimensions of family. Descriptive statistics, Pearson correlation coefficient, and structural equation modeling (path analysis) were used for

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی ابعاد کارکرد خانواده در رابطه بین سبک های دلبستگی با پایبندی دینی دانشجویان است. روش کار: روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش، تمامی دانشجویان دانشگاه الزهراء در حال تحصیل سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ را در برمی گیرد که ۳۱۸ نفر از آنان با روش نمونه گیری تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران، انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها، از پرسش نامه های پایبندی دینی، سبک دلبستگی و سنجش ابعاد کارکرد خانواده و برای تجزیه و تحلیل داده ها، از شاخص های آمار توصیفی، ضریب همبستگی

data analysis.

Findings: The correlation test results showed there was a positive and significant relationship between secure attachment style, religious commitment, and family functioning. There is a negative and significant relationship between avoidant and ambivalent attachment styles with the dimensions of family functioning functionality. Path analysis results also confirmed the mediating role of the dimensions of family functioning functionality in the relationship between attachment styles and religious commitment.

Conclusion: This study indicates that attachment styles influence individuals' behavior in human relationships. Additionally, the dimensions of family functioning explain the interaction between attachment styles and religious commitment and play a role in strengthening religious commitment among individuals with different attachment styles.

KEYWORDS: religious commitment, students, attachment style, family functioning

پیرسون و الگویابی معادله‌های ساختاری (تحلیل مسیر) استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون همبستگی نشان داد که رابطه بین سبک دلبستگی ایمن، پایبندی دینی و عملکرد خانواده مثبت و معنادار است. رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با ابعاد کارکرد خانواده منفی و معنادار است. نتیجه تحلیل مسیر نیز نقش واسطه‌ای ابعاد کارکرد خانواده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پایبندی دینی را تأیید کرد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی بر رفتار افراد در روابط انسانی تأثیر دارند. همچنین ابعاد کارکرد خانواده تعامل بین سبک‌های دلبستگی و پایبندی دینی را توجیه کرده و در تقویت پایبندی دینی افراد با سبک‌های دلبستگی مختلف نقش دارند.

کلیدواژه‌ها: پایبندی دینی، دانشجویان، سبک دلبستگی، کارکرد خانواده.

مقدمه

مطالعات تجربی در زمینه روان‌شناسی دین از قرن نوزدهم با تأکید بر نقش حیاتی دین در رشد و توسعه روحی انسان‌ها، آغاز شد (مویتینهو^۱، ۲۰۲۲). پایبندی دینی به عنوان میزان تعهد و انگیزه افراد به عمل به اعتقادات و مراسم مذهبی، به عنوان یک بُعد مهم از تجربه مذهبی افراد محسوب می‌شود (پالوتزین و پارک^۲، ۲۰۱۴). بی‌تردید، پایبندی به آموزه‌های دینی، با ایجاد محیط‌های مساعد و تعاملات مثبت در جامعه در برابر چالش‌های روانی، به

1. Moitinho.

2. Paloutzian & Park.

ارتقای سلامت روان افراد کمک می‌کند (اصلائی و همکاران، ۱۳۹۳). دین، رفتار مجرمانه را کاهش می‌دهد، ضمن آنکه خودکفایی و حس معنا را در افراد نیز افزایش می‌دهد (منصوری و همکاران، ۱۴۰۲).

همچنین در آموزه‌های دینی، تعاملات به‌ویژه روابط خانوادگی اهمیت بالایی دارد (فروزش و همکاران، ۱۳۹۹) و خانواده نقش اساسی در ایجاد روابط دقیق، اعتماد و تعهد متقابل و انطباق فرد با فضای ارتباطی، محیط تحصیلی و جوامع دارد (حمیدی^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). انسجام، ساختار خانواده، به احساس با هم بودن، پیوند و وابستگی عاطفی در بین اعضای خانواده اشاره دارد (اولسون^۲، ۲۰۱۰) و در حقیقت، روابط متقابل مثبت، نشان‌دهنده توانایی خانواده در کارکرد صحیح است (لانینگان^۳، ۲۰۰۹)؛ به طوری که زوج‌های مذهبی الگوهای ارتباطی سازگار دارند، ولی زوجین فاقد اعتقادات معنوی دارای الگوهای ارتباطی ناسازگار هستند (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده‌ای کارآمد به شمار می‌آید که اعضای آن به اصول دینی، حقوق، و اخلاق دینی پایبندی دارند و این تعهدات منجر به رشد و شناخت بهتر استعدادها و افراد می‌شود (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲). علاوه بر این، ارتباطات خانوادگی و همکاری متقابل اعضا، یک عامل کلیدی و ارزشمند برای موفقیت خانواده است (چسین و لجلیک^۴، ۲۰۱۲) که در مواقع بحرانی می‌تواند با ایجاد نقش‌ها و قوانین مناسب برای هر عضو، به رفع و حل مشکل کمک کند (تانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۸). روابط مثبت، تعاملات سازنده و ارتباط مستقیم، احساس امنیت را تقویت می‌کنند (اسکابینی^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). ارتباط نزدیک میان والدین و فرزندان، همسویی ارزش‌های دینی و پایبندی‌شان به باورهای دینی، عامل محافظتی در برابر رفتارهای تخلف‌آمیز است و موجب حفظ ارتباط صمیمانه میان آنها در مدت طولانی است (وجدانی و همکاران، ۱۳۹۹). والدین با حمایت و همدلی، سبک دلبستگی ایمن در فرزندان ایجاد کرده و سهم اساسی در انتقال ارزش‌های اجتماعی، قوانین و اخلاقیات آنها دارند (عارفین و الزهرا^۷، ۲۰۲۱). جنبه

1. Hamedy.

2. Olson.

3. Lanigan.

4. Chesin & Jeglic.

5. Tang.

6. Scabini.

7. Arifin & Azzahra.

دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، سبک‌های دلبستگی می‌باشد. نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی^۱ و ماری اینزورث^۲ در سال ۱۹۹۲ ارائه شده است، سبک‌های مختلف دلبستگی را به دو دسته ایمن و نایمن تقسیم می‌کند. سبک دلبستگی نایمن نیز به سه دسته اجتنابی، دوسوگرا و آشفته تقسیم می‌شود (معماریان و همکاران، ۱۴۰۱).

سبک دلبستگی، یکی از مفاهیم بنیادینی است که می‌تواند چگونگی ارتباطات بین فردی افراد را تعیین نماید. از دیدگاه بالبی، افراد در اثر تعامل با مراقبت‌کننده‌های دوران کودکی خویش به انتظاراتی پیرامون روابط اجتماعی و درکی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی‌شان، دست پیدا می‌کنند که در تمامی مراحل زندگی تعیین‌کننده می‌باشد و تفاوت‌های شناختی، هیجانی و ارتباطی افراد را می‌توان در قالب سبک‌های دلبستگی آنها دنبال کرد (فرورزش، روشن چسلی، غلامی فشارکی و محسنی‌زاده، ۱۳۹۸).

سبک‌های دلبستگی، الگوهای شناختی و عاطفی هستند که در نتیجه رفتارها و واکنش‌های والدین شکل گرفته و تضمین‌کننده احساس امنیت، ثبات و سازگاری در روابط بین‌فردی هستند (میکولینسر و شاور^۳، ۲۰۱۷). سبک‌های دلبستگی، یکی از عوامل تأثیرگذار بر روابط بین فردی دانشجویان است (پاکدامن، ۱۳۸۰). مطالعه محمدی و همکاران در سال ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که رابطه نزدیک فرزند با والدین نقش مهمی در رشد عاطفی، هوشی و الگوگیری دینی آنها دارد (محمدی آشنانی و عزیززی، ۱۴۰۱). مطالعه انجام شده توسط کرک پاتریک و شاور^۴ در سال ۱۹۹۲ نشان داده‌اند که رابطه فرد با خدا در بزرگسالی به شکلی مشابه ادراک کودک از مراقبین بر اساس نظریه دلبستگی است و همچنین اعتقادات دینی قادرند برای افراد دارای دلبستگی نایمن کارکردی جبرانی داشته باشند (چرنیک^۵ و همکاران، ۲۰۲۱ و کنت^۶، ۲۰۱۷). افراد دارای دلبستگی نایمن با چالش‌های هیجانی بیشتری مواجهه هستند (یحیی^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). هارت و هوارد^۸ در سال ۲۰۱۶ نشان دادند که

1. Bowlby, J.

2. Ainsworth, M.

3. Mikulincer & Shaver.

4. Kirkpatrick & Shavor.

5. Cherniak.

6. Kent.

7. Yahya.

8. Hart And Howard.

الگوی دلبستگی ایمن تمایل به ارزش‌های زندگی را افزایش می‌دهد (دربان^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). اهمیت سبک‌های دلبستگی زمانی بارزتر می‌شود که متوجه می‌شویم، پژوهش‌های بسیاری تلاش کرده‌اند پیامدهای این سازه مهم روان‌شناختی را بر عملکرد و تجربیات اجتماعی، عاطفی و شناختی افراد بررسی کنند (حجتی، نقش و خدایاری فرد، ۱۴۰۰).

مذهب می‌تواند به عنوان فرایند دلبستگی، به‌گونه‌ای مفهوم‌سازی می‌گردد که در آن رفتار و باورهای مذهبی به صورت گسترده‌ای از نظام دلبستگی در انسان‌ها نشأت می‌گیرد. بسیاری از جنبه‌های اعتقاد و تجربه مذهبی به‌ویژه آنهایی که مربوط به ارتباطات درک شده با خدا یا سایر تصویرهای فوق طبیعی هستند، حداقل قسمتی از آن عملکرد فرایندهای دلبستگی روان‌شناختی را منعکس می‌کنند. خداوند تمام ویژگی‌های موردنظر تصویر دلبستگی را که افراد برای دلبستگی به پایگاهی ایمنی‌بخش و پناهگاهی امن به او روی می‌آورند، به منصفه ظهور می‌رساند. شخص مذهبی با این اعتقاد زندگی می‌کند که وقتی در معرض خطر قرار می‌گیرد، خداوند برای محافظت و حمایت در دسترس او خواهد بود. در بسیاری از مواقع، باور به وجود خدا و در دسترس بودنش به او اجازه می‌دهد که به مسائل و مشکلات روزانه زندگی با اطمینان نزدیک شود (اژه‌ای و همکاران، ۱۳۸۴ به نقل از یوسفی‌پور؛ کیمیایی، کارشکی، ۱۳۹۵). پابندی دینی یا مذهبی بودن به درجه باور یا پابندی به اعتقادات و اعمال یک مذهب نظام‌مند اطلاق می‌شود (اکبری مرغان و عبدیوسف‌خانی، ۱۳۹۴).

کارکرد خانواده^۲ یکی از مفاهیم اصلی نظریات روان‌شناسی خانواده است. این مفهوم در سال‌های انتهایی دهه ۱۹۷۰ میلادی وارد ادبیات روان‌شناسی خانواده شد. اولین الگویی که برای کارکرد خانواده مطرح گردید، الگوی مک مستر^۳ بود که با تلاش‌های اپستین^۴، بی‌شاپ^۵ و بالدوین^۶ به ثمر نشست. این الگو بر اساس نظریه سیستمی خانواده^۷ شکل گرفت که در آن، خانواده به مثابه نظامی در نظر گرفته می‌شد که اعضای درون آن همبستگی دارند و بدون

1. Darban.

2. Family functioning.

3. Mc master model.

4. Epstein.

5. Bishop.

6. Baldwin.

7. Theory of family system.

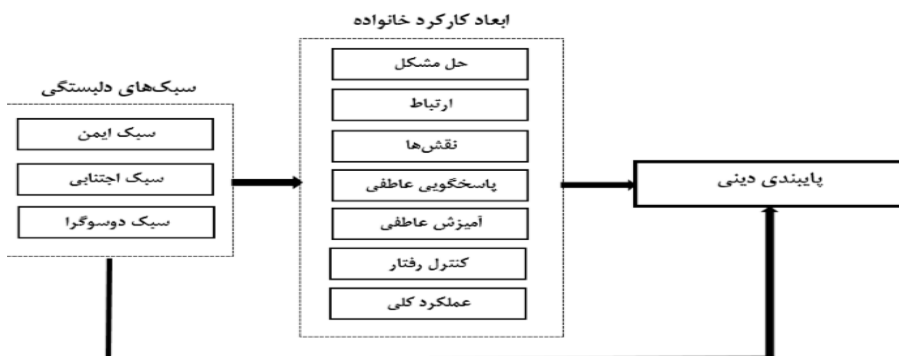
درک این نظام نمی‌توان رفتار اعضا را درک نمود. از این‌رو، الگوهای تعاملی نظام خانواده^۱ رفتار اعضا را به طور جدی شکل می‌دهند (میلر^۲ و همکاران، ۲۰۰۰). این الگو تلاش می‌کند تا ساختار^۳، سازماندهی^۴ و الگوهای تعاملی خانواده را توصیف کند و البته به همه ابعاد کارکرد خانواده پرداخت، بلکه ابعادی را تبیین نمود که برای درک کارکرد خانواده‌های بالینی مفید باشد. بنابراین به ارزیابی بالینی خانواده‌ها از طیف وسیعی از آسیب تا سلامت پرداخت. بر اساس این الگو، کارکرد اساسی خانواده، شرایط محیطی مناسبی برای رشد جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی و جنبه‌های دیگر ایجاد می‌کند و برای تحقق کارکرد اصلی خانواده باید نظام خانواده مجموعه‌ای از تکالیف را انجام دهد. این تکالیف شامل تکالیف اصلی^۵، تکالیف رشدی^۶ و تکالیف بحرانی^۷ است. از این‌رو، شش بعد از ابعاد کارکرد خانواده را معرفی می‌کند که می‌تواند سه حوزه بالینی خانواده (ساختار، سازماندهی و الگوهای تعاملی) را ارزیابی کند (میلر و همکاران، ۲۰۰۰). این کارکردها شامل: حل مسئله^۸، ارتباطات^۹، نقش‌ها^{۱۰}، پاسخگویی عاطفی^{۱۱}، آمیختگی عاطفی^{۱۲} و کنترل رفتار^{۱۳} می‌باشد (هامیلتون و کار^{۱۴}، ۲۰۱۶ به نقل از ثناگویی‌زاده، ۱۴۰۱).

در دهه‌های اخیر، توجه به موضوع عوامل تأثیرگذار بر پایبندی دینی از سوی نظریه‌پردازان، پژوهشگران و مشاوران افزایش یافته است. این توجه به دلیل اهمیت عملکرد

-
1. Transactional patterns.
 2. Miller.
 3. structure.
 4. organization.
 5. Basic tasks.
 6. Developmental tasks.
 7. Hazardous tasks.
 8. Problem-solving.
 9. Communication.
 10. Roles.
 11. Affective Responsiveness.
 12. Affective involvement.
 13. Behavior control.
 14. Hamilton & carr.

خانواده در تشکیل متغیرهای دلبستگی و پایبندی دینی، از آرا و نظرات معتقدان به ارتقای فرآیندهای تأثیرگذار بر شکل‌گیری مذهب در فرزندان ناشی می‌شود. بررسی نقش این عوامل مؤثر می‌تواند به راهنمایی خانواده‌ها در ارتقای محیط مناسب برای تربیت فرزندان با ارتباط صحیح به دین کمک نماید و انجام پژوهش‌هایی مشابه پژوهش حاضر، می‌تواند راهگشای والدین و مربیان دغدغه‌مند باشد.

همچنین باید اشاره داشت که اکثر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه بر اندازه‌گیری دو متغیر دلبستگی و پایبندی دینی متمرکز بوده‌اند و توجه بیشتری به نقش اساسی عملکرد خانواده در شکل‌گیری دلبستگی و پس از آن پایبندی دینی داشته‌اند. در برهه حساس کنونی و با هدف پر کردن خلأهای پژوهشی و پاسخگویی به نیازهای همه خانواده‌ها در زمینه نگرش به مسائل دینی و مذهبی فرزندان، انجام پژوهش‌هایی در این زمینه می‌تواند به عنوان یک راهنمایی مؤثر مطرح گردد. پژوهش حاضر با این هدف انجام شده است که آیا مدل پایبندی دینی بر پایه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری ابعاد عملکرد خانواده، دارای برزش مناسبی است و سعی در ارتقای درک جامع از این حوزه پژوهشی دارد (مدل پیشنهادی در شکل ۱).



شکل ۱: مدل پیشنهادی پایبندی دینی بر اساس مؤلفه سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری ابعاد کارکرد خانواده

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی، از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی

دانشجویان دانشگاه الزهراء ع.ا.س که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به تحصیل هستند و طبق آمار رسمی دانشگاه حدود ۹۴۱۵ دانشجو بودند. نمونه آماری این پژوهش با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و بعد از استفاده از فرمول کوکران با در نظر گرفتن حجم جامعه آماری ۳۱۸ نفر برآورد شد. مطابق با هدف پژوهش سه پرسش‌نامه: پایبندی دینی، سبک‌های دلبستگی و ابعاد کارکرد خانواده به صورت پرسش‌نامه در بستر شبکه‌های اجتماعی در اختیار دانشجویان داوطلب قرار گرفت. ملاک‌های خروج از پژوهش شامل: عدم تمایل به همکاری و دانشجویان سایر دانشگاه‌ها است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های زیر استفاده شد.

الف) پرسش‌نامه پایبندی دینی: این پرسش‌نامه با ۶۰ سؤال، اولین بار توسط جان بزرگی (۱۳۸۸) تدوین و اعتباریابی شده که به سنجش سه عامل پایبندی دینی، دوسوگرایی دینی و ناپایبندی دینی در طیف لیکرت می‌پردازد. این پرسش‌نامه دارای همسانی درونی مطلوبی بوده و آلفای کرونباخ توسط سازنده آن برابر با ۰/۸۱۰ را گزارش کرده است. در پژوهش مؤمنی و رفیعی (۱۳۹۷) میزان آلفای کرونباخ ۷۱ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان: این پرسش‌نامه حاوی ۱۵ سؤال در مقیاس لیکرت است و بر اساس مواد آزمون دلبستگی هازن و شایور^۲ (۱۹۸۷) تنظیم شده و توسط بشارت (۱۳۹۲) در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است. این پرسش‌نامه به سنجش سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مقیاس درجه‌ای لیکرت می‌پردازد. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد نمونه دانشجویی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۰/۸۵ درصد محاسبه شد که نشان‌دهنده همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. در پژوهش علیزاده و همکاران (۱۳۹۶) میزان آلفای کرونباخ برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دو سوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۴ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ابعاد دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دو سوگرا به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۹ درصد به دست آمد.

1. Adult attachment inventory.

2. Hazen and Shaver.

ج) پرسش‌نامه سنجش ابعاد کارکرد خانواده^۱ برای سنجش عملکرد خانواده از پرسش‌نامه ۶۰ سؤالی سنجش ابعاد کارکرد خانواده در مقیاس لیکرت استفاده شد که بنا بر الگوی مک مستر^۲ شش بُعد از عملکرد خانواده را مشخص می‌کند (اپستین^۳ و همکاران، ۱۹۸۳). این ابعاد شامل: حل مشکل، ارتباط، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتار هستند (ثناپی‌ذاکر و همکاران، ۱۳۸۸). ضرایب آلفایی کل مقیاس در پژوهش ثناپی‌ذاکر و امینی (۱۳۹۷)، ۰/۹۲۰ گزارش شده است. در پژوهش لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶) آلفای کرونباخ ۰/۸۶ درصد گزارش شده و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۹۳ به دست آمد.

برای رعایت اصول اخلاقی، شرکت‌کنندگان به صورت داوطلبانه و با رضایت آگاهانه در پژوهش شرکت نمودند و هیچ نیازی به ذکر نام و نام خانوادگی آنان نبود و تأکید شد که اطلاعات آن‌ها به صورت کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. داده‌های پژوهش با استفاده از همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر و به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و نرم‌افزار AMOS ۲۶ تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

این پژوهش بر روی ۳۱۸ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه الزهراء ع.ا.س. (۲۸۷ نفر مجرد و ۳۱ نفر متأهل) در دامنه سنی ۱۸ تا ۴۵ سال، با میانگین سنی ۲۳٫۵ و انحراف معیار ۶٫۱۷ انجام شد که از این میان ۷۳٪ کارشناسی، ۲۳٫۳٪ کارشناسی ارشد و ۳٫۷٪ در مقطع دکتری بودند. از این دانشجویان ۷۲٫۶٪ (۲۳۱ نفر) ساکن خوابگاه بودند و ۲۷٫۴٪ (۸۷ نفر) از دانشجویان تهرانی که ۱۰٫۷٪ شاغل بودند. آمار توصیفی شامل شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
کارکرد خانواده	۱۶۴٫۶۱	۲۲٫۳۷	۰٫۳۹۰	۰٫۳۰۱

1. FAD (Family assessment device).

2. McMaster Model.

3..Epstein.

۰,۱۳۹	۰,۵۳۴	۴,۱۲	۱۴,۶۸	سبک دل‌بستگی ایمن
۰,۱۱۶	۰,۳۱۸	۳,۷۹	۱۴,۰۹	سبک دل‌بستگی اجتنابی
-۰,۲۹۶	۰,۱۴۸	۳,۹۵	۱۴,۱۹	سبک دل‌بستگی دوسوگرا
۰,۳۰۱	۰,۳۹۰	۲۳,۱۶	۷۲,۴۸	پایبندی دینی

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۱، میانگین ابعاد کارکرد خانواده و سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و پایبندی دینی به ترتیب ۱۶,۴۶۱، ۱۴,۶۸۱، ۱۴,۰۹۱، ۱۴,۱۹۱ و ۷۲,۴۸۱ به دست آمده است. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

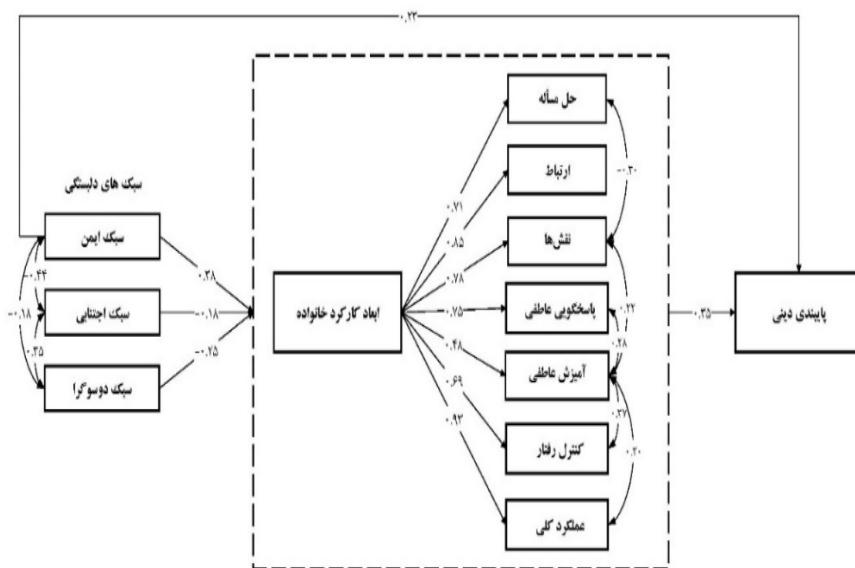
(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	متغیرها
				۱	(۱) کارکرد خانواده
			۱	**۰,۴۷۴	(۲) سبک دل‌بستگی ایمن
		۱	**۰,۴۳۶	**۰,۴۳۶	(۳) سبک دل‌بستگی اجتنابی
	۱	**۰,۳۵۱	**۰,۱۷۹	**۰,۳۸۵	(۴) سبک دل‌بستگی دوسوگرا
۱	**۰,۲۵۲	**۰,۲۴۵	**۰,۴۱۰	**۰,۴۵۳	(۵) پایبندی دینی

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۲ رابطه معنی‌داری بین متغیرهای پژوهش وجود دارد. رابطه بین سبک دل‌بستگی ایمن با ابعاد کارکرد خانواده در سطح $p \leq 0,05$ با مقدار $r = 0,474$ به صورت مثبت و معنادار است. رابطه بین سبک دل‌بستگی اجتنابی و دوسوگرا با ابعاد کارکرد خانواده در سطح $p \leq 0,05$ به ترتیب با مقدار $r = 0,436$ و $r = 0,385$ به صورت منفی و معنادار است. رابطه بین ابعاد کارکرد خانواده با پایبندی دینی با مقدار $r = 0,453$ به صورت مثبت و معنادار است. در این بخش، مهمترین فرضیات مبنایی متغیرهای مورد بررسی در مطالعه توضیح داده می‌شود. نتایج نشان می‌دهند که داده‌های گم شده در متغیرهای مورد بررسی کمتر از ۵٪ بوده و متغیرها دارای توزیع بهنجار هستند. همچنین، روش نمودارهای پراکنندگی مفروضه خطی بودن را تأیید کرده و عدم وجود چندگانگی خطی در متغیرها تأیید

شده است. به منظور تبیین الگوی پراکندگی نمرات پایبندی دینی بر اساس سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج شاخص‌های نیکویی برازش در جدول ۳ آمده است. بنابراین، طبق دیدگاه هو و بنتلر^۱ (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰.۹ برای شاخص‌های CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰.۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده‌ها دلالت دارد.

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش الگوی مفروض بعد از اصلاح

RMSEA	CFI	GFI	df/X ^۲	df	X ^۲	بعد از اصلاح مدل
۰.۰۷۸	۰.۹۶۱	۰.۹۴۳	۲,۹۴۷	۳۵	۱۰۳,۱۲۹	



شکل ۲: ضرایب مسیر الگوی پایبندی دینی بر اساس سبک‌های دلبستگی با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده

بر اساس نتایج به دست آمده از شکل ۲، بین متغیرهای وارد شده در مدل، بیشترین میزان اثر مربوط به تأثیر سبک دلبستگی ایمن بر ابعاد کارکرد خانواده می‌باشد؛ به طوری که با هر واحد

تغییر در واریانس نمرات سبک دلبستگی ایمن، به میزان ۰٫۳۸ در نمرات ابعاد کارکرد خانواده تغییر ایجاد می‌گردد. جدول ۵ نتایج مربوط به اثرات مستقیم در مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴: اثرات مستقیم در بررسی متغیرهای پژوهش در فرضیه پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان اثر	ضریب t
سبک دلبستگی ایمن	کارکرد خانواده	۰٫۳۸	۶٫۷۱۰
سبک دلبستگی اجتنابی		-۰٫۱۸	-۳٫۳۱۷
سبک دلبستگی دوسوگرا		-۰٫۲۵	-۴٫۸۳۵
سبک دلبستگی ایمن	پایبندی دینی	۰٫۲۳	۴٫۰۸۸
سبک دلبستگی اجتنابی		غیر معنادار	غیر معنادار
سبک دلبستگی دوسوگرا		غیر معنادار	غیر معنادار
کارکرد خانواده	پایبندی دینی	۰٫۳۵	۵٫۷۲۵

بر اساس نتایج به دست آمده از جدول ۴، اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر کارکرد خانواده (۰٫۳۸)، سبک دلبستگی اجتنابی بر کارکرد خانواده (-۰٫۱۸) و سبک دلبستگی دوسوگرا بر کارکرد خانواده (-۰٫۲۵) از نظر آماری معنادار است. همچنین، اثر مستقیم سبک دلبستگی ایمن بر پایبندی دینی (۰٫۲۳) و کارکرد خانواده بر پایبندی دینی (۰٫۳۵) نیز معنادار می‌باشد. اثر مستقیم سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بر پایبندی دینی معنادار نبوده و مسیرهای غیرمعنادار برای برازش بهتر مدل از معادله حذف شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار t در همه مسیرهای معنادار بیش از ± 1.98 است که نشان‌دهنده معنادار بودن این مسیرها است. برای تعیین معناداری رابطه الگوی پایبندی دینی بر اساس سبک دلبستگی با واسطه‌گری کارکرد خانواده، از آزمون سوبل^۱ استفاده شد.

1. Sobel Test.

جدول ۵: نتایج آزمون سوبل برای اثرات میانجی و غیرمستقیم

P	Z	ضریب غیرمستقیم	ملاک	میانجی	پیش بین
<۰,۰۵	۵,۱۴۹	۰,۱۳۴	پابندی دینی	کارکرد خانواده	سبک دلبستگی ایمن
<۰,۰۵	۳,۲۰۱	-۰,۰۶۵			سبک دلبستگی اجتنابی
<۰,۰۵	۴,۰۶۹	۰,۰۸۹			سبک دلبستگی دوسوگرا

بر اساس داده‌های جدول ۵ در پیش‌بینی پابندی دینی از طریق سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با واسطه‌گری ابعاد کارکرد خانواده مقدار Z بیش از ۱,۹۸± است و ($P \leq 0,01$) معناداری این مسیر را نشان می‌دهد و می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد خانواده، رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پابندی دینی را میانجی‌گری می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پابندی دینی در دانشجویان دختر با میانجی‌گری ابعاد کارکرد خانواده بود. نتایج پژوهش نشان داد که ابعاد کارکرد خانواده می‌تواند نقش میانجی در اثرگذاری بین سبک‌های دلبستگی و پابندی مذهبی داشته باشد و مدل ارائه شده در این زمینه برازش مناسبی دارد. در این مدل، نتایج مسیر نشان داد که ابعاد کارکرد خانواده به‌طور مستقیم میانجی‌گر رابطه بین سبک‌های دلبستگی و پابندی مذهبی می‌باشد. این یافته هر چند به‌صورت مشابه در پژوهش‌ها بررسی نشده است، ولی نتایج پژوهش‌های مشابه نشان داده است که بین پابندی مذهبی و سبک‌های دلبستگی (از نوع سبک دلبستگی ایمن) با یافته‌های چن^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، اسپنس^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، بوسی^۳ و همکاران (۲۰۱۷)، مقدم^۴ و همکاران (۲۰۱۶) همسو می‌باشد. از طرفی در بُعد اثربخشی ابعاد کارکرد خانواده بر پابندی دینی مثبت بود و نتایج

1. Chen.

2. Spence.

3. Bucci.

4. Moghadam.

پژوهش با یافته‌های نوروزی^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، ستوده^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، کس^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، کینگ^۴ و همکاران (۲۰۱۹) و لیمان^۵ و همکاران (۲۰۱۶) همسو بود.

در تبیین تحلیل مسیر این مدل می‌توان گفت، در خانواده‌ای که مؤلفه‌های عملکرد آن اعم از (حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخ‌دهی عاطفی، مشارکت عاطفی، کنترل رفتار، کارکرد عمومی) به درستی انجام می‌پذیرد، موجب شکل‌گیری دلبستگی ایمن در فرزندان آن خانواده خواهد شد و افرادی که واجد سبک دلبستگی ایمن هستند، روابط صمیمی و بهتری را با دیگران برقرار کرده و ارتباط بین فردی قوی‌تری دارند، دارای اعتماد به نفس بالاتری هستند و زمانی که مانعی بر سر راه آنها قرار می‌گیرد (در صورت پایه‌گذاری درست مبانی دینی در خانواده)، بدون تردید رفتار خود را با معیارهای مذهبی تنظیم می‌کند و تمام تلاش خود را می‌کند تا ارتباط خود را در همه شرایط با خدا حفظ نماید. در مقابل، در خانواده‌ای که عملکرد درستی در ابعاد مختلف نداشته است، دلبستگی ناایمن و یا اجتنابی در بین اعضای خانواده به وجود می‌آید و در نتیجه، فردی با چنین خانواده‌ای همواره نگران و در یک حالت بی‌اعتمادی و تردید مذهبی به سر می‌برد، میان کردار و گفتارش هماهنگی وجود نداشته، در برابر سختی‌ها تحمل کمی دارد و احساس خوبی به خود و ارتباط با خدا ندارد. در نتیجه یا هیچ‌گونه تعهدی به تنظیم رفتار خود بر اساس اصول و یا دستورات مذهبی نداشته و یا فقط در مواقع لزوم (سختی‌ها) به خدا پناه می‌برد (شناگویی، ۱۳۹۲) و یک رابطه دلبسته‌ایمن می‌تواند رفتارها، افکار و احساسات او را در موقعیت‌های بعدی هدایت نماید. مهمترین ویژگی روابط دلبسته، احساس امنیت و تعلق است. به طوری که فرد دیگر احساس تنهایی و ناراحتی نداشته باشد. چنین افرادی اغلب از روابط خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند، ارتباط زنده و صمیمانه‌تری دارند و در نتیجه، روابط بلندمدت‌تری برقرار می‌نمایند و نسبت به دیگران متعهدتر هستند (آشناد، رضائیان بیلندی و احمدی، ۱۳۹۹). در واقع، افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، روابطشان در سه سطح ارتباط با خود، دیگران و خدا توأم با صمیمیت و رضایت بوده و احتمال اینکه خود را ملتزم به وظایف و تعهداتشان بدانند، بیشتر است.

1. Noroozi.

2. Sotudeh.

3. Kes.

4. King.

5. Leeman.

بنابراین، توجه و آگاه‌سازی خانواده‌ها به اهمیت و نقش عملکردشان در شکل‌گیری دلبستگی و به تبع آن پایبندی دینی فرزندانشان ضروری به نظر می‌رسد تا شاهد فرزندانی با سبک دلبستگی ایمن همراه با پایبندی مذهبی مثبت باشیم.

از جمله محدودیت‌های این تحقیق، کاهش توجه به مسائل دینی و مذهبی در بین دانشجویان به دلیل کم‌رنگ شدن این موضوعات در فضای اجتماعی و عدم انگیزه کافی در جامعه پژوهشی برای پاسخ به پرسش‌نامه‌ها و نمونه‌گیری از جمعیت دانشجویی بود. به همین دلیل در استنباط نتایج، نیاز به احتیاط در تعمیم آن به همه دانشجویان و جامعه عمومی وجود دارد. همچنین در این پژوهش برای ارزیابی برازندگی الگوی پیشنهادی از روش تحلیل مسیر استفاده شده است. بنابراین، از نتایج این پژوهش نمی‌توان دست به استنباط علمی زد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده بر روی نقش تفاوت‌های جنسیتی، عوامل فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با سبک‌های دلبستگی و پایبندی دینی در دانشجویان، همچنین تأثیر سبک‌های دلبستگی بر پیش‌بینی انگیزش مذهبی و مشارکت در فعالیت‌های دینی دانشجویان سایر دانشگاه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر متغیرها، مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- آشناد، فائزه؛ رضائیان بیلندی، حسین و احمدی، محمدرضا. (۱۳۹۹). *نقش تعدیل‌کننده جهت‌گیری مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تعهد زناشویی*. مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۷ (۱۳)، ۵۳-۷۶.
- اصلانی، خالد؛ امان‌اللهی، عباس؛ ولدمومن، پری و تقی‌پور، منوچهر. (۱۳۹۳). *بررسی رابطه ساده و تعدیل‌گر ناامیدی و عملکرد خانواده با افکار خودکشی‌گر در بین دانش‌آموزان پایه اول دبیرستان‌های شهر اهواز*. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۵ (۲۰)، ۵۹-۷۹.
- اکبری مرغان، حسین؛ عبدیوسف‌خانی، زینت (۱۳۹۴). *بررسی رابطه بین پایبندی مذهبی و رضایت از زندگی*. پژوهشنامه تربیتی، ۴۳، ۳۷-۴۸.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۹۲). *مقیاس دلبستگی بزرگسال: پرسش‌نامه، شیوه اجرا و کلید نمره‌گذاری (نسخه فارسی)*. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی، ۹ (۳۵)، ۳۱۷-۳۲۰.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). *بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی*. پایان‌نامه دکترای روان‌شناسی، دانشگاه تهران.

- ثناگویی، محمد. (۱۳۹۲) *رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پابندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین*. فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۱(۱)۶، ۹۱-۱۰۹.
- ثناگویی زاده، محمد (۱۴۰۱). *الگویابی ساختاری کارکرد خانواده ایرانی-اسلامی*. روان‌شناسی و دین، ۱۵ (۲)، ۱۱۳-۱۳۲.
- ثنایی، باقر؛ علاقمند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره؛ هومن، عباس (۱۳۸۸). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- ثنایی ذاکر، باقر و امینی، فریده. (۱۳۹۷). *مقایسه عملکرد خانواده در دو گروه دانش‌آموزان دختر مستقل و وابسته به دیگران*. پژوهش‌های مشاوره (تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره)، ۲(۷-۸)، ۹-۲۸.
- جان‌بزرگی، مسعود. (۱۳۸۸). *ساخت و اعتباریابی آزمون پابندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج البلاغه*. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳(۵)، ۷۹-۱۰۵.
- حجتی، قصیده؛ نقش، زهرا؛ خدایاری فرد، محمد (۱۴۰۰). *رابطه بین سبک دلبستگی و هویت اخلاقی: نقش واسطه‌ای همدلی*. مجله روان‌شناسی، ۹۸، ۲۵ (۲)، ۲۱۵-۲۳۵.
- خانجانی، مهدی؛ قنبری، فرشته و نعیمی، ابراهیم. (۱۳۹۸). *بررسی ارتباط کارکرد خانواده، سبک دلبستگی و سبک‌های تربیتی والدین با اعتیاد به اینترنت در نوجوانان*. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰ (۳۷)، ۱۲۱-۱۴۲. doi: 10.22054/qccpc/10.22054.1655.26576.2019
- صفورایی پاریزی، محمد مهدی. (۱۳۹۲). *شاخص‌های خانواده کارآمد. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۱(۱)، ۲۹-۵۸.
- علیزاده اصلی، افسانه؛ کیامنش، علیرضا و احدی، حسن. (۱۳۹۶). *پیش‌بینی پرخاشگری و سازگاری تحصیلی بر اساس سبک‌های دلبستگی دانشجویان دختر*. زن و مطالعات خانواده، ۱۰ (۳۷)، ۶۵-۸۴.
- فروزش، سجاد؛ روشن‌چسلی، رسول؛ غلامی فشارکی، محمد و محسنی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۸). *تدوین مدل ارتباط با خانواده همسر بر اساس مؤلفه‌های سبک‌های دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی با میانجی‌گری پابندی مذهبی*. روان‌شناسی بالینی و شخصیت، ۱۷(۲)، ۶۳-۷۶. doi: 10.22054/cpap/10.22054.2019.2908
- لاهیجی، لاله؛ بشارت، محمد علی. (۱۳۹۶). *پیش‌بینی کارکرد خانواده و کیفیت زندگی بر پایه شیوه‌های دل‌بستگی زوجین*. آسیب‌شناسی خانواده، ۳ (۲)، ۱۱۹-۱۳۸.
- محمدی، رمضان؛ رجبیان ده‌زیره، مریم؛ درتاج، فتنه و حسینی، محمد امین. (۱۴۰۲). *پیش‌بینی نگرش به مدد بر اساس عمل به باورهای دینی، ویژگی‌های پنج‌گانه شخصیت و سبک‌های دلبستگی*. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱۷ (۳۲)، ۱۰۵-۱۲۷. doi: 10.22054/psy/10.22054.2019.22054.2019.22054

- محمدی آشنانی، علی و عزیزی، ربابه. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر دلبستگی ایمن در شکل‌گیری هوش هیجانی و انس دینی کودکان در سنین ۱-۳ سالگی از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی. مشکوه، ۴۱(۱۵۴)، ۲۷-۴۹.
- معماریان، الهه؛ معنوی پور، داود و صداقتی فرد، مجتبی. (۱۴۰۱). تبیین رابطه سبک‌های دلبستگی و باورهای معرفت‌شناسی با همدلی در دانشجویان. فصل‌نامه رهبری و مدیریت آموزشی، ۱۱(۱)۱۶، ۲۷-۵۵.
- منصوری، زهره؛ باقری، فریبرز؛ درتاج، فریبرز و ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۴۰۲). ارزیابی مدل پیش‌بینی صمیمت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی با میانجی‌گری سبک‌های عشق‌ورزی همدلی و شور در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۱۴(۱)، ۱۷۹-۱۹۴. doi: 10.22059/japr/10.22059.2023.329292.643952
- مومنی، خدامراد؛ رفیعی، زهرا. (۱۳۹۷). رابطه حمایت اجتماعی و جهت‌گیری مذهبی با رضایت از زندگی در سالمندان. سالمند: مجله سالمندی ایران، ۱۳(۱)، ۵۰-۶۱.
- وجدانی، شهریار؛ کرمی، مریم و احمدی، صدیقه. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متأهل. مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان)، ۱۸(۲)، ۱۹۳-۲۲۰. doi: 10.22051/jwsp/10.22051.2020.30750.2187
- یوسفی پور، ریحانه؛ کیمیایی، علی؛ کارشکی، حسین. (۱۳۹۵). نقش تعهد مذهبی و سبک دلبستگی بزرگسالان در کیفیت روابط زناشویی با میانجی‌گری متغیر سبک دلبستگی در زوج‌های تازه‌مزدوج. علوم انسانی اسلامی، ۱۰(۴)، ۵۸-۶۸.
- Arifin, B. S & ,Azzahra, S. F. (2021). The Influence of Parenting Style on Adolescent Religious Commitment in Bandung, Indonesia. Paper presented at the 5th Asian Education Symposium 2020 (AES). (2020 DOI/10.2991:assehr.k210715.097.
- Bucci, S., Emsley, R & ,Berry, K. (2017). Attachment in psychosis: A latent profile analysis of attachment styles and association with symptoms in a large psychosis cohort. *Psychiatry Research*, 243-249, 247. doi: 10.1016/j.psychres.2016.11.036.
- Chen, Y., Luo, S., Wang, L., Miao, H., Xi, R., Luo, Z., & Wang, Z. (2023). Peer Attachment Style Moderates the Effect of Mood on Creativity. *Psychological Reports*, 00332941231168996. doi: 10.1177/00332941231168996.
- Cherniak, A. D., Mikulincer, M., Shaver, P. R., & Granqvist, P. (2021). Attachment theory and religion. *Current Opinion in Psychology*, 40, 126-130. doi: 10.1016/j.copsyc.2020.08.020.

- Chesin, M. S., & Jeglic, E. L. (2012). Suicidal behavior among Latina college students. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 34(3), 421–436. <https://doi.org/10.1177/0739986312445271>
- Darban, F., Safarzai, E., Koohsari, E., & Kordi, M. (2020). Does attachment style predict quality of life in youth? A cross-sectional study in Iran. *Health psychology research*, 8(2):8796. doi: 10.4081/hpr.2020.8796.
- Epstein, N. B., Baldwin, L. M., & Bishop, D. S. (1983). The McMaster family assessment device. *Journal of marital and family therapy*, 9(2), 171–180. <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.1983.tb01497.x>
- Hamedi, Z., Abdolvahab Samavi, S., & Askari, M. (2014). The Relation between Family Function and Attachment Styles with Social Adjustment of Male and Female High School Students in Bandar Abbas. *J Appl Environ Biol Sci*.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Pers Soc Psychol*, 52(3):511–24. doi: 10.1037//0022-3514.52.3.511.
- Hu, L. t., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*, 6(1), 1–55. <https://doi.org/10.1080/10705519909540118>
- Kent, B. V. (2017). Attachment to God, religious tradition, and firm attributes in workplace commitment. *The Journal of social psychology*, 157(4), 485–501. <https://doi.org/10.1080/00224545.2016.1242470>
- Kes, D., & Aydin Yildirim, T. (2020). The relationship of religious coping strategies and family harmony with caregiver burden for family members of patients with stroke. *Brain injury*, 34(11), 1461–1466. doi: 10.1080/02699052.2020.1810317.
- King, V., Lindstrom, R., & Washington, C. (2019). Patterns of shared religious attendance and positive stepfamily functioning. *Journal of Research on Adolescence*, 29(2), 357–368. <https://doi.org/10.1111/jora.12409>
- Lanigan, J. D. (2009). A sociotechnological model for family research and intervention: How information and communication technologies affect family life. *Marriage & Family Review*, 45(6–8), 587–609. DOI: 10.1080/01494920903224194

- Leeman, J., Crandell, J. L., Lee, A., Bai, J., Sandelowski, M., & Knafel, K. (2016). Family functioning and the well-being of children with chronic conditions: A meta-analysis. *Research in nursing & health*, 39(4), 229–243. doi: 10.1002/nur.21725.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2017). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. The Guilford Press.
- Moghadam, M., Rezaei, F., Ghaderi, E., & Rostamian, N. (2016). Relationship between attachment styles and happiness in medical students. *Journal of family medicine and primary care*, 5(3), 593–599. doi: 10.4103/2249–4863.197314.
- Moitinho, D. D. S. (2022). *Marital Satisfaction and Attachment Style: The Mediating Role of Emotional Intelligence and Religious Commitment*. Moitinho Department of Community Care and Counseling, Liberty University, School of Behavioral Sciences.
- Noroozi, M., & Mohebbi-Dehnavi, Z. (2023). Investigating the relationship between religious orientation and spiritual intelligence with general health dimensions in women with breast cancer. *Journal of Education and Health Promotion*, 12:40. doi: 10.4103/jehp.jehp_1744_21.
- Olson, David H. (2010). *FACES IV (Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale)*. FACES IV Package. www.facesiv.com.
- Paloutzian, Raymond F., & Park, Crystal L. (2014). *Handbook of the psychology of religion and spirituality*: Guilford Publications.
- Sotudeh, T., Hasanpoor-Azghady, S. B., & Amiri-Farahani, L. (2022). Relationship between religious coping, pain severity, and childbirth self-efficacy in Iranian primipara women. *Obstetrics and Gynecology International*, 15; 2338683. doi: 10.1155/2022/2338683.
- Spence, R., Kagan, L., Nunn, S., Bailey-Rodriguez, D., Fisher, H. L., Hosang, G. M., & Bifulco, A. (2022). The moderation effect of secure attachment on the relationship between positive events and wellbeing. *PsyCh Journal*, 11(4), 541–549. doi: 10.1002/pchj.546.
- Yahya, F., Nahar, M. I., Talib, A. T., Darshan Singh, S. S., Mohad, A. H., Mohd Isa, N. A., & Ahmad Khiri, M. J. (2021). The Effects of Parental Attachment on Personality Traits. *Journal of Cognitive Sciences and Human Development*, 7(1), 157–174. <https://doi.org/10.33736/jcsdhd.2877.2021>